

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۴۸

۱۲ بهمن ۱۳۹۵ / ۳۱ ژانویه ۲۰۱۷



سانسور در دنیای مجازی



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: آناهیتا بختیار

تحریریه: کامبیز غفوری، نعیمه دوستدار، علی مهتدی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

ایتترنت، جهش بزرگ بشریت پس از گام نهادن بر ماه

بایدها و نبایدهای سانسور ایتترنتی در ایران



مرکز ملی فضای مجازی؛ سانسور سازمان یافته ایتترنت



سانسور ایتترنتی در خاورمیانه؛

توافق کشورهای منطقه بر سر افزایش کنترل و محدودیت سایبری



شبکه‌های اجتماعی، ابزار آزادی بیان یا سانسورچی‌های عصر امروز؟



سانسور ایتترنت؛ حق دولت‌ها یا نقض حقوق شهروندان؟

اینترنت، جهش بزرگ بشریت پس از گام نهادن بر ماه

آناهیتا بختیار

لحظه‌ای که نیل آرسترانگ در ۲۰ جولای ۱۹۶۹ به همراه باز آلدین پا بر ماه نهاد و آن جمله‌ی معروف را گفت که «این گام کوچکی برای یک انسان، لیک جهشی بزرگ برای بشریت است»، بیشترین تعداد بیننده تا آن تاریخ، یک پدیده را به طور زنده، از صفحات تلویزیون مشاهده کردند.

برای نخستین بار، ۶۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان به طور هم‌زمان از یک روی‌داد آگاهی می‌یافتند. لیکن برای تحقق چنین امر بی‌سابقه‌ای، پروژه‌ی آپولو-۱۱ در ناسا که مسوول فرستادن نخستین انسان‌ها به سطح ماه بود، از سال ۱۹۶۲ مشغول به کار مداوم مهندسی شد تا پخش زنده را میسر کند.

هفت سال کار فنی، تغییر سیستم‌های پیشین FHV و FHU به dnaB-S defiinU. یک دوربین ویژه‌ی سبک با قابلیت مانور در میان دستکش‌های ضخیم فضانوردان که ساخت آن به کمپانی وستینگ‌هاوس سپرده شد، تیم عظیم رسانه‌ای در سراسر جهان، همه و همه نیاز بودند تا مردم به طور هم‌زمان این پدیده را مشاهده کنند.

خارج از خاک ایالات متحده و در غرب اروپا، اگر بی‌بی‌سی ۱، بی‌بی‌سی ۲ و آی‌تی‌وی، سه کانال تلویزیونی آن روز بریتانیا به هر دلیل تصمیم به پخش نداشتند، هیچ‌کس در آن محدوده نمی‌توانست تا مدت‌ها چنان تصاویری را مشاهده کند.

امروز اما یک شهروند معمولی برای پخش تصویری زنده از یک رویداد، نیاز به دانستن فرمول‌های پیچیده‌ی مهندسی مخابرات یا خلق ابرازهای فوق‌پیشرفته ندارد؛ یک دستگاه گوشی هوشمند، یک اپلیکیشن مانند فیس‌بوک یا اینستاگرام و اتصال به اینترنت با سرعتی مناسب کافی است تا پیام مورد نظر به سراسر جهان مخابره شود.

این «جهش بزرگ برای بشریت» به تایید و نظارت

پرداخته‌ایم. محمد اولیایی‌فرد در مقاله‌ای حقوقی، به قانون جرایم رایانه‌ای در ایران، نهادهای مسوول در امر فیلترینگ، آئین‌نامه‌ی کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه و مواد مندرج در آن پرداخته است. این حقوق‌دان همچنین میان مقابله با هرزه‌نگاری‌های جنسی در زمینه‌ی سوء استفاده از کودکان، جلوگیری از ترویج خشونت، خرید و فروش مواد مخدر و ممانعت از دسترسی سازمان‌های تروریستی به اطلاعات، با سلب آزادی بیان مخالفین یا



منتقدین نظام به بهانه‌ی حفظ امنیت، تفاوت قائل شده و شق دوم را مخالف قانون اساسی فعلی ایران دانسته است. نعیمه دوستدار ذیل مطلبی با عنوان «مرکز ملی فضای مجازی؛ سانسور سازمان‌یافته اینترنت»، از قربانیان اینترنت در ایران یاد کرده و متمرکزترین فعالیت جمهوری

اسلامی در زمینه‌ی سانسور این فضا را «تشکیل مرکز ملی فضای مجازی» خوانده است؛ مرکزی که به فرمان سید علی خامنه‌ای، رهبر حکومت جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد و در حال حاضر، ابوالحسن فیروزآبادی ریاست آن را بر عهده دارد. او همچنین به تضاد این نهاد به عنوان وضع‌کننده‌ی قانون، با مجلس شورای اسلامی اشاره کرده است.

علی مهتدی در گزارش خود نگاهی داشته به سانسور اینترنتی در خاورمیانه و توافق کشورهای منطقه بر افزایش کنترل و محدودیت سایبری. بنا بر یادداشت او، دولت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌خصوص پس از سقوط نظام‌های حاکم بر تونس، مصر، لیبی و یمن در جریان بهار عربی، اطلاع‌رسانی در فضای مجازی را تهدیدی وجودی برای خود دیده و تدابیر شدیدی را برای کنترل این فضا و محدود کردن آزادی بیان و گردش اطلاعات اتخاذ کرده‌اند. مهتدی به قوانین مختلفی اشاره کرده که در این کشورها برای تحدید فضای سایبری به بهانه‌هایی چون حفظ نظم عمومی، جلوگیری از انتشار اخبار کذب و مبارزه با تروریسم وضع شده است.

کامبیز غفوری به سانسور در شبکه‌های اجتماعی پرداخته و از زبان پروفیسور تیم وو، استاد حقوق در دانشگاه کلمبیا، نقل کرده که می‌گوید امروزه بخش عمده‌ای از آزادی بیان ربطی به دولت‌ها ندارد و به سیاست شرکت‌های بزرگی مانند گوگل بازمی‌گردد. در یادداشت او نظر حقوق‌دانانی مانند لی رولند، وکیل در «پروژه‌ی بیان، حریم خصوصی و فن‌آوری» را می‌خوانیم که در اتحادیه‌ی آزادی‌های مدنی آمریکا مشغول به کار است. او می‌گوید که کمپانی‌هایی مانند فیس‌بوک و توییتر «به راستی در حال کسب قدرت یک شبه‌دولت هستند تا نرُم‌های اجتماعی را به بخش عمده‌ای از جمعیت مردم و نوع بیان آن‌ها، تحمیل کنند.» حسن ختام این شماره، مطلبی حقوقی از فریدون دادخواه است که با ریزبینی در قوانین بین‌الملل، سانسور اینترنت را از منظر حق دولت‌ها و نقض حقوق شهروندان، کاویده است. او می‌نویسد که بر خلاف باور معمول، هراس از اینترنت و تلاش دولت‌ها در محدود کردن دسترسی کاربران ملی به محتوای اینترنتی، تنها محدود به کشورهایی با نظام سیاسی اقتدارگرا نیست و حتی برخی از لیبرال دموکراسی‌های غربی با وجود آن‌که آزادی بیان را عزیز می‌دارند، به فیلترینگ اینترنت روی آورده‌اند. منابع حقوقی بین‌المللی حاکم بر اینترنت را نیز در این یادداشت حقوقی خواهید خواند.

و عقاید سیاسی در شبکه‌ی جهانی را نیز شامل می‌شود. در ایران علاوه بر مقابله و مسدود کردن وبسایت‌هایی با محتوای مستهجن و مبتذل، نظارت گسترده‌ای نیز بر محتوای اطلاعات سیاسی صورت می‌گیرد و کنترل جدی بر عقاید و اندیشه‌های منتقد یا متضاد با حکومت در وب حاکم است.

در واقع، اعمال سانسور، محدودیت و نظارت ساختار یافته و هدفدار بر دسترسی به محتوای وبگاه‌ها و استفاده از خدمات اینترنتی برای کاربران ایرانی تحت عنوان فیلترینگ در ایران، با تکیه بر قانون اعمال می‌شود و طیف گسترده‌ای از وبگاه‌های اینترنتی، از پورنوگرافی گرفته تا سیاسی را در بر می‌گیرد.

گرچه مسدود کردن دسترسی به وبگاه‌های اینترنتی در ایران جنبه قانونی دارد، اما روند آن، به ویژه برای وبگاه‌های سیاسی و اجتماعی، به درستی مشخص نیست و سیاست‌های آن غیرشفاف است. نهادهای دخیل در فیلترینگ ایران گسترده و ساختاری پیچیده دارند، از جمله نهادهای مهم می‌توان به شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه اشاره کرد. قوه قضائیه ایران نیز گاه رأساً در امر فیلترینگ دخالت و مستقیماً دستور مسدود سازی سایت‌های اینترنتی را به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ابلاغ می‌کند.

در این میان رهبر ایران دارای نقشی مهم در تعیین افراد اصلی تأثیرگذار بر نهادهای فیلترینگ است. شورای عالی فضای مجازی بالاترین نهادی است که مسوولیت تعیین سیاست‌های کلی فضای مجازی را بر عهده دارد و مستقیماً به دست رهبر جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۲ میلادی تشکیل شده است. ریاست این شورا با رئیس جمهوری است. با این حال فیلترینگ در ایران نه از سوی شورای عالی فضای مجازی و نه از جانب وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، بلکه از سوی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه صورت می‌گیرد که این مسوولیت را از سال ۸۸ بر عهده گرفته است و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سایر نهادهای دخیل در امر فیلترینگ، تنها مجری فرامین این کارگروه هستند.

کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه، سال ۱۳۸۸ در پی تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در مجلس شورای اسلامی بنیان نهاده شد. این کارگروه بر اساس ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای از سوی قوه قضائیه تشکیل شده و مسوولیت نظارت بر فضای مجازی و پالایش تارنماهای حاوی محتوای مجرمانه و رسیدگی به شکایات مردمی



بایدها و نبایدهای سانسور اینترنتی در ایران



محمد اولیایی‌فرد

و زیان‌بار در جهت سوء استفاده‌های مختلف و ارتکاب جرائم گوناگون نیز منتشر و مبادله شوند. هرزه‌نگاری‌های جنسی، به‌خصوص در زمینه سوء استفاده از کودکان، ترویج خشونت و فساد، خرید و فروش مواد مخدر و زیان‌بار، اشاعه‌ی اطلاعات خصوصی افراد و سازمان‌ها و استفاده از اطلاعات در جهت اهداف تروریستی، ضرورت کنترل محتوای اینترنت را ناگزیر ساخته است. به همین سبب بسیاری از دولت‌ها با تصویب قوانین جرایم اینترنتی و نیز از طریق فیلترینگ سعی در کنترل و مقابله با

اطلاعات مخرب و زیان‌بار دارند. ولی این کنترل و نظارت بر انتشار اطلاعات در جوامع مختلف و بر حسب خط مشی سیاسی و فرهنگی هر جامعه، نمودهای متفاوتی داشته است. در برخی از کشورها تأکید بیشتر بر عدم سوء استفاده از اطلاعات خصوصی افراد و جلوگیری از انتشار تصاویر جنسی کودکان و ممانعت از دسترسی سازمان‌های تروریستی به اطلاعات خاص و مهم است؛ اما کنترل محتوای اینترنت در جوامع مذهبی فراتر از موارد فوق است و نظارت شدید بر اشاعه‌ی افکار

گسترش اینترنت بستری فراهم آورد تا طیف وسیعی از اطلاعات بدون هیچگونه محدودیتی و فراتر از مرزهای جغرافیایی در سراسر جهان انتشار یابد و اینترنت به نحو چشم‌گیری به یک رسانه ارتباطی و اطلاعاتی تبدیل شود. در این میان، ویژگی اینترنت در سهولت انتشار مطالب و دستیابی سهل و سریع به انواع مختلف اطلاعات اعم از متن، صوت و تصویر و داده‌های گرافیکی متنوع، شرایطی را نیز به وجود آورده تا حجم عظیمی از اطلاعات مخرب

۷- محتوایی که تحریک، ترغیب، یا دعوت به ارتکاب جرم کند: (محتوای مرتبط با سایر جرایم) انتشار محتوای حاوی تحریک، ترغیب، یا دعوت به اعمال خشونت آمیز و خودکشی. تبلیغ و ترویج مصرف مواد مخدر، مواد روان گردان و سیگار. بازنشر و ارتباط (لینک) به محتوای مجرمانه تارنماها و نشانی‌های اینترنتی مسدود شده، نشریات توقیف شده و رسانه‌های وابسته به گروه‌ها و جریان‌های منحرف و غیر قانونی. تشویق، تحریک و تسهیل ارتکاب جرائمی که دارای جنبه عمومی هستند از قبیل اختلال در نظم، تخریب اموال عمومی، ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، قاچاق مواد مخدر، قاچاق مشروبات الکلی و غیره. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی نیز موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق، محتوای مجرمانه‌ای را که در چهارچوب قانون تنظیم شده است، اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌رود، پالایش (فیلتر) کنند.

البته محتوای مجرمانه تنها دلیل اعمال فیلتر نیست بلکه عدم اخذ مجوز نیز منجر به مسدود شدن وبسایت‌ها می‌شود. مطابق تبصره ۳ ماده ۱ قانون مطبوعات ایران که در سال ۱۳۷۹ به این قانون الحاق شده است، کلیه وبگاه‌های خبری و نشریات الکترونیکی باید برای فعالیت‌های خود مجوز دریافت کنند. نداشتن مجوز علاوه بر اینکه می‌تواند به فیلتر شدن وبگاه بیانجامد، جرم نیز محسوب می‌شود. همچنین باید توجه داشت که پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه‌ی موضوع شکایت خصوصی، نه با تشخیص کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه، بلکه با دستور مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده انجام خواهد گرفت.

نتیجه اینکه: فیلترینگ چنانچه در جهت حفظ حقوق کاربران و اخلاق عمومی جامعه و با هدف مقابله با هرزه‌نگاری‌های جنسی در زمینه‌ی سوء استفاده از کودکان، جلوگیری از ترویج خشونت و فساد، خرید و فروش مواد مخدر و زیان‌بار، عدم سوء استفاده از اطلاعات خصوصی افراد و ممانعت از دسترسی سازمان‌های تروریستی به اطلاعات خاص و مهم باشد، قابل توجیه به نظر می‌رسد؛ اما سلب آزادی بیان مخالفین یا منتقدین نظام به بهانه‌ی حفظ امنیت، از هر طریق از جمله با استفاده از فیلترینگ تحت عنوان محتوای مجرمانه، امری مغایر با قانون اساسی است.



۵- محتوایی که برای ارتکاب جرایم رایانه‌ای به کار می‌رود: (محتوای مرتبط با جرایم رایانه‌ای) موضوع مواد ۲۱ و ۲۵ قانون جرائم رایانه‌ای. انجام هرگونه فعالیت تجاری و اقتصادی رایانه‌ای مجرمانه مانند شرکت‌های هرمی.

۶- محتوای مجرمانه مربوط به امور سمعی و بصری و مالکیت معنوی: انتشار و سرویس‌دهی بازی‌های رایانه‌ای دارای محتوای مجرمانه. معرفی آثار سمعی و بصری غیرمجاز به جای آثار مجاز. عرضه‌ی تجاری آثار سمعی و بصری بدون مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تشویق و ترغیب به نقض حقوق مالکیت معنوی.

تحریک نیروهای مسلح به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی. تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج از کشور. فاش نمودن اسرار و انتشار نقشه و اسناد و دستورها و مسایل مجرمانه موضوع بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات. انتشار محتوای که از سوی شورای عالی امنیت ملی منع شده باشد.

۴- محتوا علیه مقامات و نهادهای دولتی و عمومی: اهانت، هجو، افترا و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی علیه مقامات، نهادها و سازمان‌های حکومتی و عمومی.

و همچنین تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را به عهده دارد. کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه زیر نظر دادستان کل کشور فعالیت می‌کند و ۱۳ عضو دارد. بر اساس قانون جرایم رایانه‌ای، اعضای این کارگروه موظفند هر دو هفته یک بار جلسه تشکیل دهند و در این جلسات در خصوص فیلتر شدن وبگاه‌های مختلف، بحث و تبادل نظر و رأی‌گیری می‌شود. همچنین کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه موظف است به شکایات مربوط به مصادیق فیلترشده رسیدگی و نسبت به آن‌ها تصمیم‌گیری کند و هر شش ماه گزارشی در خصوص روند فیلتر محتوای مجرمانه ارائه دهد.

فهرست مصادیق محتوای مجرمانه اعلامی از سوی کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه، شامل هفت بخش است که وجود هر یک از این مصادیق محتوا منجر به مسدود یا فیلتر شدن وبسایت‌ها می‌شود. مصادیق محتوای مجرمانه آن‌گونه که در فهرست مذکور آمده، عبارتند از:

۱- محتوا علیه عفت و اخلاق عمومی: اشاعه‌ی فحشاء و منکرات. تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید یا دعوت به فساد، فحشاء، دست‌یابی به محتویات مستهجن و مبتذل، ارتکاب جرایم منافی عفت یا انحرافات جنسی. انتشار، توزیع و معامله محتوای خلاف عفت عمومی. استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی.

۲- محتوا علیه مقدسات اسلامی: محتوای الحادی و مخالف موازین اسلامی. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن. اهانت به هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت به امام خمینی (ره) و تحریف آثار ایشان. اهانت به مقام معظم رهبری (امام خامنه‌ای) و سایر مراجع مسلم تقلید. تبلیغ به نفع حزب گروه یا فرقه منحرف و مخالف اسلام. نقل مطالب از نشریات و رسانه‌ها و احزاب و گروه‌های داخلی و خارجی منحرف و مخالف اسلام به نحوی که تبلیغ از آن‌ها باشد.

۳- محتوا علیه امنیت و آسایش عمومی: تشکیل جمعیت در فضای مجازی (سایبر) با هدف برهم زدن امنیت کشور. هرگونه تهدید به بمب‌گذاری. انتشار محتوا علیه اصول قانون اساسی. تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران. اختلال در وحدت ملی از طریق طرح مسائل نژادی و قومی. تحریک یا اغوای مردم به جنگ و کشتار یکدیگر.

ایزار جنگ نرم، استفاده از روش‌های تازه در مسدود کردن و کنترل نامه‌های الکترونیکی، قطع کامل ارتباط اینترنت و کم کردن سرعت آن در موقعیت‌های خاص، در تلاش برای کنترل این فضا بوده. همچنین حکومت کوشیده با مسدود کردن پروتکل‌های امنیتی SPTTH و استفاده از کمک برخی کمپانی‌های خارجی امکانات فیلترینگ و شنود تهیه کند و اینترنت ملی راه بیندازد و ارتباط با اینترنت جهانی را کاملاً قطع کند. اما متمرکزترین فعالیت جمهوری اسلامی در این زمینه، تشکیل مرکز ملی فضای مجازی برای کنترل این عرصه است؛ مرکزی که به فرمان سید علی خامنه‌ای، رهبر حکومت جمهوری اسلامی ایران، توسط شورای عالی فضای مجازی تشکیل شده است. پیش از آن، شورای عالی فضای مجازی، در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ به فرمان خامنه‌ای تشکیل و موظف شد که مرکز ملی فضای مجازی کشور را راه اندازد.

در حال حاضر ابوالحسن فیروزآبادی ریاست این مرکز و دبیری شورای عالی فضای مجازی ایران را برعهده دارد. در بخشی از فرمان‌نامه‌ی رهبر جمهوری اسلامی آمده است که «گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌ویژه شبکه جهانی اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به قشرها گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه کانونی متمرکز برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور به وجود آید. به این مناسبت شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود.»

خامنه‌ای در ادامه گفته است که شورا وظیفه دارد «مرکز ملی فضای مجازی کشور» را درست کند تا کامل و به‌روز بر فضای مجازی درونی و بیرونی اشراف داشته و درباره نحوه رویارویی با آسیب‌های اینترنت تصمیم بگیرد. او همه دستگاه‌های کشور را موظف به همکاری با مرکز کرده است.

از نظر حقوقی، رئیس‌جمهوری (رئیس شورای عالی فضای مجازی)، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضاییه، رئیس سازمان صداوسیما، دبیر شورا و رئیس مرکز



دیگری از شدت هراس حکومت ایران از اینترنت و شدت برخورد آن با فعالان اینترنتی است. امیررضا میرصیافی ویلاگ‌نویسی است که در زندان اوین جان داد. هر روز افراد تازه‌ای به دلیل فعالیت‌هایشان در اینترنت بازداشت می‌شوند. سهیل عربی و سینا دهقان، نمونه‌هایی از این قربانیان هستند که به دلیل استفاده از شبکه‌های مجازی، به سب‌النبی محکوم شده‌اند. مدل‌ها، عکاسان، ورزشکاران و هنرمندان، از دیگر گروه‌هایی هستند که به دلیل فعالیت‌هایشان در اینترنت تحت پی‌گرد قرار گرفته‌اند.

یک مرکز برای همه هدف‌ها

ایران در سال‌های گذشته با سخت‌گیرانه‌تر کردن قوانین جرایم رایانه‌ای از طریق بخش‌نامه‌ها و دستورعمل‌ها، دشمن‌سازی از اینترنت با منتسب کردن آن به خارج و با

خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران، خبر تأیید حکم اعدام سعید ملک‌پور، طراح و برنامه‌نویس مقیم کانادا را از سوی دیوان عالی منتشر کرد. سعید ملک‌پور، وحید اصغری، احمدرضا هاشم‌پور و مهدی علیزاده چهار وب‌نگار ۲۵ تا ۴۰ ساله ایرانی بودند که قربانی پرونده‌سازی «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته» شدند؛ نهادی که سپاه پاسداران ایران در فروردین ۱۳۸۸ تاسیس کرده است. در همین تاریخ، این مرکز با انتشار اطلاعیه‌ای، انهدام شبکه ارائه محتوای مستهجن ضددینی و ضد انقلابی را اعلام کرد و از دستگیری تعدادی از مدیران و مسئولان این سایت‌ها خبر داد.

برخورد با وبلاگ‌نویسان در پرونده موسوم به «وبلاگ‌نویسان» و ماجرای کشته شدن «ستار بهشتی» در بازداشت که چندماه پیش اتفاق افتاده، نمونه‌های

مرکز ملی فضای مجازی؛ سانسور سازمان یافته اینترنت



نعیمه دوستدار

ایران بارها از سوی نهادهای بین‌المللی مدافع آزادی اینترنت، به دلیل سانسور اینترنت و مجازات کاربران فضای مجازی محکوم شده است. گزارشگران بدون مرز، ایران را یکی از دشمنان اینترنت معرفی کرده است. قربانیان اینترنت در ایران فراوانند. ۸ بهمن ۱۳۹۰،



ملی فضای مجازی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر اطلاعات، معاون علمی و فن آوری رییس جمهوری، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رییس سازمان تبلیغات اسلامی. فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده ناجا و دادستان کل کشور عضو این شورا هستند.

شورای عالی انفورماتیک، شورای عالی اطلاع‌رسانی و شورای عالی فناوری اطلاعات، شوراها و نهادهایی بودند که پیش از تشکیل این شورا در حکم سیاست‌گذار و مجری در این حوزه عمل می‌کرده‌اند. اما در فروردین ۱۳۹۵، در جلسه شورای عالی فضای مجازی که به ریاست حسن روحانی برگزار شد، شورای عالی انفورماتیک، شورای عالی اطلاع‌رسانی و شورای عالی امنیت فضای تبادل اطلاعات (افتا)، منحل شدند و همه وظایفشان در سطح ملی به شورای عالی فضای مجازی واگذار شد.

با این حال، این شورا به عنوان وضع کننده قانون با مجلس شورای اسلامی در تعارض قرار دارد.

در آغاز تاسیس این مرکز، با توجه به شرایط اینترنت در ایران و فیلترینگ گسترده‌ی وبسایت‌های مختلف گروهی تاسیس آن را قدمی مثبت برای روشن شدن سیاست‌های ایران در قبال اینترنت دانسته بودند و امیدوار بودند که این مرکز جلوی اعمال سلیقه‌ای سیاست‌ها را در حوزه اینترنت بگیرد.

در عین حال، این مرکز هنوز تنها مرکز موثر در زمینه تصمیم‌گیری در زمینه اینترنت نیست.

«کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه» که در سال ۱۳۸۸ و در پی تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در مجلس شورای اسلامی و تأیید آن توسط شورای نگهبان، بنیان‌گذاری شد، زیر نظر دادستان کل کشور هر دو هفته یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و در این جلسات در خصوص فیلتر شدن وبگاه‌های مختلف، بحث و تبادل نظر و رأی‌گیری می‌شود.

این کارگروه بر اساس ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای، مسوولیت نظارت بر فضای مجازی و پالایش تارنماهای حاوی محتوای مجرمانه و رسیدگی به شکایات مردمی را به عهده دارد.

از صدور ارزش‌های انقلاب تا کنترل فضای مجازی مرکز ملی فضای مجازی، در واقع مرکز ملی کنترل و سانسور در اینترنت است. اینترنت برای نظام جمهوری اسلامی، یک خطر بالقوه و بالفعل است. به همین دلیل تأکید ویژه این مرکز، مقدم داشتن محتوا نسبت به

جنگ فرهنگی قرار دارد و به تبع آن حاکم کردن روحیه جهادی و گسترش تعامل و هم‌افزایی بین کلیه دستگاه‌ها و نیروهای مردمی، از برنامه‌های آن است. جنگ فرهنگی یا تهاجم فرهنگی، از ترم‌های شناخته شده در ادبیات جمهوری اسلامی است که چند دهه قبل از سوی رهبر جمهوری اسلامی تولید شد و حتی پیش از فراگیر شدن اینترنت، یکی از عرصه‌های مهم تبلیغاتی جمهوری اسلامی بود.

همچنین بر اساس سیاست‌های این مرکز از فضای اینترنت برای ارتباط و همکاری هدفمند با ملت‌ها، خصوصاً ملل مسلمان، برای ترویج و تحقق گفتمان انقلاب اسلامی استفاده می‌شود و این مرکز می‌خواهد با «حضور قوی و هدفمند» در مجامع و سازمان‌های جهانی، ائتلاف‌هایی مرکب از ملت‌ها و دولت‌ها ایجاد کند تا حاکمیت قدرت‌های بزرگ در عرصه اینترنت کاهش یابد. از این لحاظ این مرکز یک بازوی کشور برای مبارزات ضدامپریالیستی هم هست.

مهم‌ترین هدف‌های این مرکز بر اساس آنچه که در سیاست‌های آن آمده، تحقق شبکه ملی اطلاعات به عنوان بستر امن تبادل اطلاعات در کشور، سامان‌دهی شبکه‌های پیام‌رسان، بازی‌های رایانه‌ای، نظام جامع مقررات‌گذاری برای فضای مجازی و ارتباط آن با فضای واقعی، ایمن‌سازی زیرساخت‌های حیاتی کشور در فضای مجازی با تدوین سند نظام پیشگیری و مقابله با حوادث، سالم‌سازی فضای مجازی و کنترل نهضت تولید محتواست. همچنین، مواجهه با فضای مجازی در سطح ملی و جهانی و توسعه آن برای آمادگی قطعی نظام (از نظر فنی و محتوایی) در استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدات آن، ایجاد آمادگی لازم برای حفظ زیرساخت‌های حیاتی در برابر حملات اینترنتی و دفاع مناسب در برابر حملات اینترنتی، از دیگر فعالیت‌های این مرکز است.

به علاوه، این مرکز می‌خواهد تا اتکای ایران به کشورهای دیگر در استفاده از فضای مجازی و توابع آن در عرصه‌های فنی کمتر شود و محتوا و خدمات بومی برای پاسخگویی حداکثری به نیازهای داخلی «به نحو جذابی» ارائه شود. آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی برای بالابردن سواد اینترنتی، آگاهی به مردم در مورد مخاطرات فضای مجازی و انگیزه دادن به مردم برای مقابله با مخاطرات آن در زندگی فردی و اجتماعی، از دیگر سیاست‌های این مرکز عنوان شده که در تمام این زمینه‌ها هدف اصلی کنترل حرکات مردم در اینترنت است.

این مرکز بخشی مهمی برای فعالیت‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌ی جنگ نرم به شمار می‌آید و به همین دلیل در سیاست‌های این مرکز آمده که کشور در شرایط

زیرساخت‌ها، قالب‌ها و خدمات اینترنتی است و بر تولید وسیع محتوا براساس «اسلام ناب محمدی و گفتمان انقلاب اسلامی» تأکید دارد.

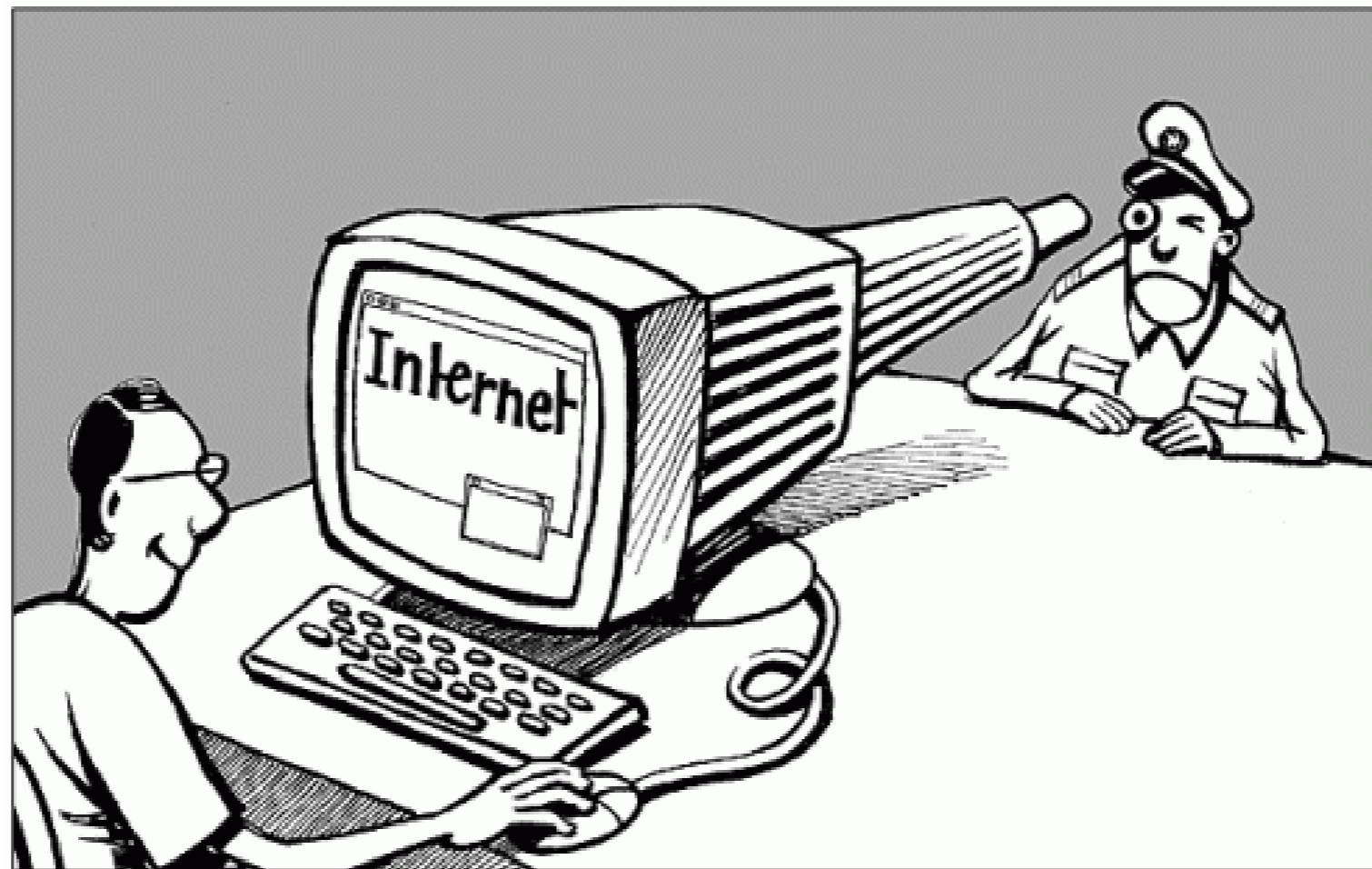
سانسور اینترنتی در خاورمیانه؛

توافق کشورهای منطقه بر سر افزایش کنترل و محدودیت سایبری



علی مهدی

سرعت گسترش اینترنت در خاورمیانه و شمال آفریقا باعث شده تا مردم منطقه برای کسب اطلاعات به شکلی روزافزون به سمت اینترنت و ابزارهای جایگزین رسانه‌های سنتی حرکت کنند. به شکلی کلی، فراگیر شدن بیش از پیش اینترنت در کشورهای قید و بندهای گوناگون و محدودیت‌های فراوان اعمال شده بر رسانه‌ها روبه‌رو هستند، راه‌هایی جدید برای افزایش آزادی بیان و ارتباطات ایجاد کرده و به همان نسبت، دولت‌ها را وادار کرده تا با اتخاذ تدابیری به روند محدودسازی گردش اطلاعات و سانسور، این بار در فضای اینترنتی بپردازند. در دسامبر سال ۲۰۱۳، به شکل کاملاً غیرمنتظره‌ای در عربستان سعودی برف بارید. حجم برف، یخبندان و کاهش شدید دمای هوا در کشوری که به گرمای زیاد هوایش مشهور است، باعث شد تا این موضوع به مهم‌ترین عنوان رسانه‌های مختلف داخلی و صحبت مردم تبدیل شود. سرمای زیاد باعث شد تا جریان برق زندان «المحافظ» قطع شده و زندانیان برای مدت زیادی از وسایل گرمای محروم شوند. دولت عربستان سعودی، روزنامه‌نگاران را از پوشش هرگونه خبری مربوط به قطع برق زندان منع کرد. با این حال، منصور المزهم روزنامه‌نگار عربستانی در حساب توییتر خود از قطع برق زندان ناشی از یخبندان اطلاع‌رسانی کرد. المزهم بلافاصله بازداشت و محاکمه شد و به اتهام «افترا از طریق تجهیزات الکترونیک» به زندان و جریمه نقدی محکوم شد. المزهم با اتکا به ماده



سوم از قانون مبارزه با جرایم اینترنتی، هفت روز در زندان به سر برد.

رسانه‌ها در بیشتر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با محدودیت‌های زیادی مواجه بوده و به خاطر خطوط قرمز سفت و سخت ترسیم شده توسط حکومت‌ها، استقلال بسیار کمی دارند. فعالان و روزنامه‌نگاران در مقابل برای نوشتن و اطلاع‌رسانی در مسایل مورد اهتمام مردم به شبکه‌های اجتماعی در اینترنت روی آورده‌اند تا بدین ترتیب اطلاعات منتشر شده در امثال فیس‌بوک و توییتر، هیمنه رسانه‌های تحت سلطه و کنترل دولت‌ها را شکسته و روند جدیدی را آغاز کنند.

را تهدید می‌کند. بیشتر حکومت‌های منطقه به بهانه‌ی حفظ نظم عمومی، جلوگیری از انتشار اخبار کذب و مبارزه با تروریسم قوانینی وضع کرده‌اند که آزادی بیان در شبکه اینترنت را محدود می‌کند و روزنامه‌نگارانی که این قوانین را زیر پا بگذارند را بازداشت کرده و به زندان و جریمه‌های سنگین محکوم می‌کنند.

برخی کشورها بعد از وقایع بهار عربی دست به تغییر قوانین خود زده و مقررات سختی برای جلوگیری از وقوع هرگونه حادثه مشابه در کشورهای خود وضع کردند. در اکثر این کشورها و همچنین برخی کشورهای که در آن‌ها حکومت‌های جدیدی بر سر کار آمده بوده، محدودیت‌های اینترنتی در قوانین جدید ایجاد شد. به عنوان مثال در مصر پس از انقلاب، قوانینی وضع شد که بر اساس آن روزنامه‌های اینترنتی با موانعی مواجه شدند در حالی که در قوانین قبلی مصر هیچ ماده‌ای که آزادی روزنامه‌نگاری در اینترنت را محدود کند، وجود نداشت.

در امارات، روزنامه‌نگاران خارجی از پوشش اخبار محاکمه‌ی ۹۴ نفر از مظنونان به همکاری با اخوان المسلمین در سال ۲۰۱۳ منع شدند تا اطلاع‌رسانی ناقص و جانب‌دارانه‌ی محلی از روند این دادگاه باعث شود که نظرها به توییتر برای کسب خبر جلب شود؛ اخباری که از شکنجه‌ی مظنونان در زندان حکایت داشت.

عبدالله الحدیدی از معروف‌ترین متهمان پرونده اطلاع‌رسانی اینترنتی در امارات است. الحدیدی در توییتری این سوال را مطرح کرد که چرا در مورد موضوع شکنجه‌ی متهمان به همکاری با اخوان المسلمین، تحقیقی نمی‌شود؟ همین توییتر باعث شد تا الحدیدی دستگیر و به اتهام «نشر اخبار کذب» به ده ماه زندان محکوم شود. قاضی دادگاه الحدیدی، وی و روزنامه اینترنتی‌اش را به «زیر پا گذاشتن حد و مرز آزادی بیان و تحریک افکار عمومی» متهم کرد. امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۲ قوانین جدیدی در زمینه جرم اینترنتی وضع کرد و بدین ترتیب «تهدمت به حکومت» و «اهانت به نمایندگان حکومت» جرم تلقی شد.

عربستان دیگر کشور منطقه است که از زمان شروع انقلاب‌های عربی در تونس و مصر در سال ۲۰۱۱، قوانین محدودکننده‌ی زیادی برای رسانه‌ها وضع کرد و رسانه‌های اینترنتی را نیز شامل این مقررات کرد. دولت عربستان در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد که بر اساس قانون

دولت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا به خصوص پس از سقوط نظام‌های حاکم بر تونس، مصر، لیبی و یمن در جریان بهار عربی، اطلاع‌رسانی در فضای مجازی را تهدیدی وجودی برای خود دیده و تدابیر شدیدی را برای کنترل این فضا و محدود کردن آزادی بیان و گردش اطلاعات اتخاذ کردند. حکومت‌های غیر دموکراتیک این منطقه، با تصویب قوانین مختلف عملاً شرایطی ایجاد کردند که حتی اینترنت نیز دیگر از قید و بندهای قانونی و سانسور بی‌نصیب نیست. در چنین شرایطی، خطر خودسانسوری روزافزون برای فرار از مجازات‌های اعمال شده بر اساس قوانین جدید، روزنامه‌نگاران و آزادی بیان

اطلاع‌رسانی در اینترنت باید ثبت شده و مجوز بگیرد و بدون مجوز، حتی فعالیت اطلاع‌رسانی در فیس‌بوک نیز برای روزنامه‌نگاران ممنوع است.

گزارش یونسکو در مورد رویکردهای رسانه‌ای در خاورمیانه حاکی از این است که در بیشتر کشورهای منطقه سیاست‌هایی اتخاذ شده تا فعالیت‌های اینترنتی محدودتر از قبل شود. از جمله این قوانین، ایجاد تبعیض بین رسانه‌های سنتی و اینترنتی است به طوری که روزنامه‌نگاران آنلاین در بسیاری کشورها از دریافت مجوز معاف شده‌اند. به این ترتیب رسانه اینترنتی عملاً به رسمیت شناخته نمی‌شود و روزنامه‌نگاران آنلاین نمی‌توانند از امتیازات و حمایت‌های سنتی بهره‌مند شوند. هم‌زمان سیاست‌هایی در حال اجرا است که روزنامه‌نگاران و رسانه‌های اینترنتی را مجبور به ثبت و اخذ مجوز جداگانه می‌کند. بدین ترتیب، این عملاً دولت‌ها هستند که مشخص می‌کنند چه کسی روزنامه‌نگار است و اجازه فعالیت دارد و چه کسی به رسمیت شناخته نشده و فعالیتش با توسل به مواد قانونی محدود می‌شود. کشورهای مثل مصر که چنین قوانینی در آن تصویب شده، به روزنامه‌نگاران آنلاینی که خود را ثبت نکرده‌اند و بالطبع در کنترل دولت نیستند، اجازه پوشش تحولات داده نمی‌شود و مواد قانونی وجود دارد که در صورت تخلف می‌تواند منجر به زندانی شدن روزنامه‌نگار شود.

حمله‌های سایبری به سایت‌ها و رسانه‌های فعال در زمینه اطلاع‌رسانی از دیگر شگردهای برخی حکومت‌های منطقه است که به تازگی رواج بیشتری یافته است. سوریه از جمله کشورهایی است که در این زمینه پیشرفت زیادی داشته به طوری که دولت به شدت فعالیت‌های اینترنتی را زیر نظر داشته و به رسانه‌های خارجی نیز تعدی می‌کند. ارتش سایبری سوریه چندی قبل اعلام کرد که به روزنامه‌های نیویورک تایمز، واشنگتن پست و هافینگتون پست حمله سایبری کرده است.

این طور به نظر می‌رسد که کشورهای منطقه بر سر افزایش کنترل فضای سایبری توافق دارند. در اکتبر ۲۰۱۴ اعضای اتحادیه کشورهای عرب در پایان اجلاس سالیانه خود اعلام کردند که «تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های کلی کشور در ارتباط با اینترنت جزو حقوق دولت‌ها محسوب می‌شود» تا بدین ترتیب دست حکومت‌ها برای اعمال محدودیت بیشتر بر گردش اطلاعات و کنترل فضای اینترنت بازتر شود.



می‌کند؛ به طوری که ۵۰ درصد از کسانی که در این نظرسنجی شرکت کردند، معتقدند حکومت باید کنترل بیشتری بر فضای اینترنت داشته باشد و تنها ۱۶ درصد با آن مخالف بودند. کم‌تر از ۵۰ درصد به ضرورت نقد دولت‌ها در اینترنت معتقد بودند و ۵۸ درصد باور داشتند که دولت‌ها برای حمایت از آن‌ها باید نظارت و کنترل فضای اینترنت را بیشتر کنند تا جلوی انتشار مطالب «نامناسب» یا «مخالف ارزش‌های اجتماعی» را بگیرد.

در مصر، قانون مبارزه با تروریسم که در کابینه رأی مثبت به آن داده شد، به دولت اجازه می‌دهد تا فعالیت‌های اینترنتی را کاملاً زیر نظر گرفته و اختیارات زیادی برای سانسور به آن داده شد، به طوری که دولت می‌تواند هر سایت اینترنتی را به اتهام‌های مربوط به تروریسم تعطیل کند.

تلاش برای ثبت دولتی هر گونه فعالیت جدی در عرصه اینترنت، اقدام دیگری است که دولت‌های خاورمیانه برای کنترل فضای اینترنت انجام می‌دهند. اردن در سال ۲۰۱۴ قانونی وضع کرد که بر اساس آن هر پایگاه

جدید مبارزه با تروریسم، پوشش اخبار اعتراض‌ها در شبکه‌های اجتماعی جرم محسوب می‌شود.

هم‌زمان کویت نیز قوانین جدیدی وضع کرد و به دستگاه‌ها و سازمان‌های ذیربط اختیار داد تا پایگاه‌های اینترنتی را بسته و بدون ارائه‌ی توضیح مشخص، ورود افراد به شبکه اینترنت را منع کنند. بر اساس این قوانین جدید، دولت می‌تواند به بهانه حفظ عفت عمومی و امنیت ملی، رسانه‌های اینترنتی را نیز مانند رسانه‌های کاغذی با محدودیت و سانسور مواجه کند.

در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، شبکه‌های اجتماعی مجازی و رسانه‌های اینترنتی رونق فراوان دارند. بر اساس پژوهش دانشگاه نورث‌ایسترن، کویت بیشترین میزان استفاده از توییتر در جهان را به نسبت جمعیت کشور دارد.

قطر در سپتامبر ۲۰۱۴ با تصویب قانون ویژه‌ی جرایم اینترنتی، مجازات‌های مالی و زندان‌های سنگینی را برای فعالان اینترنتی تعیین کرد. بر اساس این قانون، هر کسی که اتهامش در «زیر پا گذاشتن ارزش‌های اجتماعی از طریق انتشار اخبار، تصاویر، فایل‌های صوتی یا شخصی افراد حتی در صورت صحت» ثابت شود، مجازات خواهد شد. در واقع باز گذاشتن دامنه‌ی جرم تحت عنوان «زیر پا گذاشتن ارزش‌های اجتماعی» بدون ارائه‌ی تعریف روشن و واضحی از آن، باعث می‌شود تا نه تنها فعالان در عرصه اینترنت بلکه روزنامه‌نگاران نیز به بهانه همین مفاد از اطلاع‌رسانی منع شوند.

بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده، شانزده کشور در منطقه وجود دارند که قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیری در مقابله با روند اطلاع‌رسانی در اینترنت دارند. تصویب این میزان از قوانین علیه گردش آزاد اطلاعات در منطقه‌ی خاورمیانه عملاً باعث می‌شود تا مردم حتی در بحث‌های دینی نیز احساس محدودیت کنند. در برخی شرایط مانند عربستان و لیبی، فردی که به «زیر پا گذاشتن ارزش‌های اجتماعی» از طریق اینترنت متهم شود، با خطر اعدام نیز روبه‌رو است. در گزارش سازمان یونسکو با موضوع رویکرد جهانی در زمینه‌ی آزادی بیان و پیشرفت مطبوعات آمده که روزنامه‌نگاران در کشورهای خاورمیانه به خاطر قوانین تصویب شده، آزادی بیان ندارند و «درستی اطلاعات منتشر شده» نمی‌تواند ابزار خوبی در دفاع از آن‌ها در مقابل مواد قانونی مثل «اتهام به حکومت» یا «تشویش اذهان عمومی» باشد.

در مصر قانون موسوم به «تظاهر» که در نوامبر ۲۰۱۳

تصویب شد، تأثیر مستقیمی بر فعالیت روزنامه‌نگاران و فعالان اینترنت گذاشت. بر اساس این قانون، روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها از سیاست‌های خیابان دور نگاه داشته می‌شوند و سیاست‌های خیابان نیز در رسانه‌ها بازتابی ندارد و بدین ترتیب هر روزنامه‌نگار یا فعالی که این قانون را زیر پا بگذارد به حداکثر هفت سال زندان محکوم می‌شود.

تونس نیز در پایان سال ۲۰۱۴ طرح قانونی را مورد بررسی قرار داد که بر اساس آن قوانین مربوط به رسانه‌ها از جمله «اتهام‌زنی» و «تشویش اذهان عمومی» در فضای اینترنت نیز صادق است و محدودیت‌هایی برای آزادی بیان در اینترنت ایجاد می‌کند.

نکته جالب توجه در اقدام دولت‌های خاورمیانه در سانسور و محدود کردن آزادی بیان در اینترنت این است که بخش نه چندان کمی از مردم نیز با این اقدامات همراهی می‌کنند.

بر اساس نظرسنجی دانشگاه نورث وسترن که در هشت کشور منطقه صورت گرفت، افکار عمومی مردم خاورمیانه بیش از پیش به سمت کنترل فضای اینترنت حرکت



کامبیز غفوری

شبکه‌های اجتماعی، ابزار آزادی بیان یا سانسورچی‌های عصر امروز؟

را ببینند. این ممکن است شامل هشدار در ابتدا باشد که ویدیو شامل تصاویر آزار دهنده است. ما در حال حاضر این ابزارها را نداریم و به همین خاطر، این پست را حذف کردیم.» با این حال، خودسوزی راهبان بودایی، یک کنش سیاسی است و در اعتراض به محدودیت‌های مذهبی و عدم آزادی در تبت تحت کنترل چین، انجام می‌شود.

خانم وو سر در این باره گفت که پیشتر نیز بارها چنین پست‌هایی را گذاشته ولی با توجه به مرادفات میان فیس‌بوک و دولت چین در آن زمان، ممکن است دلیل برداشتن این پست، اجتناب از تحریک حکومت چین باشد و در این صورت، اعمال سانسور محرز است.

مورد دیگر سانسور، معطوف به بدن و جنسیت زنان می‌شود و خشم برابری خواهان را برانگیخته است.

آیا فیس‌بوک با اندام زنان مشکل دارد؟

ثرد-لاو، یک شرکت سازنده سوتین (پستان‌بند) است که فیس‌بوک انتشار آگهی‌های آن را متوقف کرد. با توجه به این که ۶۴ درصد از زنان سایز و شکل پستان‌بند مناسب خود را پیدا نمی‌کند، ثرد-لاو با انتشار «دیکشنری شکل پستان»، کمک می‌کند تا آنان پستان‌بندی را بخرند که بیشتر با آن احساس راحتی می‌کنند.

فیس‌بوک اما طور دیگر به قضیه نگاه می‌کند. دست‌اندرکاران این شبکه‌ی اجتماعی، آگهی‌های evolDriHT را حذف کردند و آن‌ها را مصداق برهنگی و خارج از استانداردهای فیس‌بوک دانستند. فیس‌بوک پیش‌تر نیز تصاویر زنانی که در حال شیر دادن بودند یا تصاویر زنانی که عکس‌های جراحی پستان خود به دلیل سرطان را منتشر می‌کردند، حذف کرده بود. این عکس‌ها که بخشی از کارزار آگاهی‌رسانی بودند، در رسانه‌های جریان اصلی بدون مانعی منتشر شده بودند.

صابون این کار به عکس‌های هنری نیز خورده است. پیش از نوروز ۱۳۹۲ عکسی هنری از یک سفره هفت سین با موضوع «مادر زمین» از سوی «آرین آریان»، هنرمند مقیم کانادا در فضای مجازی منتشر شد. در این عکس، زنی نیمه عریان در میانه سفره هفت سین نشسته است در حالی که دو پستان وی به عنوان یکی از اجزای هفت سین به مخاطب نشان داده است.

آرین در مصاحبه‌ای درباره‌ی برخورد فیس‌بوک با عکس خود، گفت: «افرادی که تحمل عکس‌های برهنه مرا ندارند و مرتب به فیس‌بوک گزارش می‌دهند تا آن‌ها را حذف کند غافل از آن هستند که فیس‌بوک یک بخش کوچک از این جهان ارتباطات است. عکس‌های من در وب سایت و فتوبلاگم و همین طور صفحه سایر دوستان خواهد رفت و کوتاه‌فکری



سانسور متهم می‌کرد، بیانیه‌ای منتشر کرد و در آن نوشت: «فیس‌بوک مدتی طولانی است که تبدیل به مکانی شده است که مردم موارد و تجربیات خود را در آن منتشر می‌کنند. گاهی این تجربیات شامل خشونت و ویدیوهای آزاردهنده است. ما با جدیت کار می‌کنیم تا بین اظهارات و امنیت، توازن ایجاد کنیم. مع‌الوصف، از آن‌جا که برخی از افراد به ویدیوهای آزارنده اعتراض می‌کنند، تلاش می‌کنیم تا به افراد امکان کنترل بیشتری بدهیم تا انتخاب کنند که چه چیزی

ظهور اینترنت، باعث شده تا ابزار عقیده برای عامه‌ی مردم بسیار راحت‌تر از دوران پیش از آن باشد. شبکه‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را در این زمینه، بازی می‌کنند. تنها فیس‌بوک در دسامبر سال ۲۰۱۶، بیش از یک میلیارد و ۸۶۰ میلیون کاربر فعال داشته است. نیمی از این کاربران در هر یک روز به فیس‌بوک می‌آیند و بین ۳۵ تا ۵۵ میلیون پست از جانب آنان در هر روز منتشر می‌شود.

اگر شبکه‌های اجتماعی پرمخاطب دیگر را نیز در نظر بگیریم، روزانه صدها میلیون نظر ابراز می‌شود. اما آیا تمام این نوشته‌ها آزادانه و بدون نظارت نگاشته و منتشر می‌شوند؟ این نظارت چگونه اعمال می‌شود تا شبکه‌های اجتماعی که راهی برای ابراز عقیده محسوب می‌شوند، خود کاربران‌شان را قربانی نوعی از سانسور نکنند؟

چند نمونه

دوم جولای سال ۲۰۱۵، اینستاگرام عکسی را از طالب کویلی، خواننده‌ی سیاه‌پوست هیپ‌هاپ در آمریکا، حذف کرد. کویلی که کنش‌گر ضد نژادپرستی است، عکسی را در مذمت نژادپرستی منتشر کرده بود که در آن، دو سفیدپوست نژاد پرست، پلاکارد «کاکا سیاه، به خانه‌ات برگرد» را نشان می‌دادند.

در مقررات شرکت اینستاگرام، نوشته شده است: «اگر سخنان نفرت‌پراکنانه با هدف به چالش کشیده‌شدن یا افزایش آگاهی [علیه آن] منتشر شوند، ممکن است به آن اجازه‌ی انتشار دهیم. در این شرایط، ما از شما می‌خواهیم که قصد خود را شفاف و روشن توضیح دهید.»

با استناد به این قانون، اینستاگرام مورد سوال کاربران قرار گرفت و در نهایت با بازبینی، این پست را بازگرداند. اما تمام موارد به این راحتی حل نمی‌شوند یا از خود شائبه‌ی حذف تعمدی بر جای می‌گذارند.

فیس‌بوک و خودسوزی راهبان تبتی

در دسامبر سال ۲۰۱۴، فیس‌بوک یکی از پست‌های تسرینگ

وو سر، نویسنده‌ی صاحب‌نام تبتی را حذف کرده بود. او که یکی از منتقدان سیاست‌های چین در تبت است و در این باره کتاب‌های متعددی نیز نوشته است، پستی درباره‌ی خودسوزی یک راهب بودایی به نام کالاسانگ یش در استان سیچوان چین نوشت و با پیامی از فیس‌بوک روبه‌رو شد که بدون ذکر جزئیات نوشته بود: «این پست با استانداردهای جامعه‌ی فیس‌بوک سازگاری ندارد.»

فیس‌بوک در پی اعتراض‌هایی که این شبکه اجتماعی را به

است که گمان کنیم می‌توان جلوی انتشار یک اثر هنری را گرفت. جلوی نگاه هنرمند را هم نمی‌توان با توهین و خشم و تهدید گرفت. با همه توهین و تهدیدهایی که شده و می‌شود کماکان مسیر خود را ادامه می‌دهم.»

لی رولند، وکیل در «پروژه‌ی بیان، حریم خصوصی و فن‌آوری» در اتحادیه‌ی آزادی‌های مدنی آمریکا، می‌گوید کمپانی‌هایی مانند فیس‌بوک و توئیتر «به راستی در حال کسب قدرت یک شبه‌دولت هستند تا نرم‌های اجتماعی را به بخش عمده‌ای از جمعیت مردم و نوع بیان آن‌ها، تحمیل کنند.»

با این حال، این وکیل می‌گوید که نمی‌توان پرونده‌ی حقوقی علیه این اقدام فیس‌بوک باز کرد زیرا مربوط به سیاست‌گذاری داخلی این شرکت است، اما تأکید می‌کند: «این‌که پستان زنان را به چیزی تبدیل کنیم که در خط مقدم سانسور قرار بگیرد، در واقع کاری ضد محتوای آموزشی، ضد محتوایی که به پرسش‌های زنان درباره‌ی بدن‌شان پاسخ دهد، انجام داده‌ایم.»

او می‌گوید درست است که فیس‌بوک حق دارد برای خود سیاست‌گذاری کند و عملی حقوقی نمی‌توان علیه این شرکت انجام داد، اما چنین سیاست‌ها و نگاه‌هایی به جنسیت زن، می‌تواند جامعه را به عقب هل دهد.

گوگل و آزادی بیان در یوتیوب

از موارد مربوط به فیس‌بوک و اینستاگرام سخن به میان رفت؛ اما اندکی پیش از این وقایع، در سال ۲۰۱۲ پخش فیلم بی‌گناهی مسلمانان باعث شورش‌های بسیاری در کشورهای با اکثریت مسلمان شد. گوگل به عنوان مالک یوتیوب، به خواست کشورهای اسلامی پاسخ گفت و دسترسی به این فیلم کوتاه را در کشورهایی مانند مصر، لیبی، هند، اندونزی و افغانستان مسدود کرد.

چنین عملی، بحث‌های زیادی را درباره‌ی آزادی بیان و جهانی‌بودن برخی ارزش‌ها، به راه انداخت. آیا در عصر اینترنت، شرکتی آمریکایی باید قوانین کشورهای محل زندگی کاربران را مد نظر قرار دهد، به ارزش‌های بین‌المللی آزادی بیان پای‌بند باشد یا قوانین کشوری را که در آن ثبت شده، ملاک قرار دهد؟ بعد حقوقی قضیه چیست؟ قوانین حقوقی کدام کشور؟ قوانین بین‌المللی؟

پروفیسور تیم وو، استاد حقوق در دانشگاه کلمبیا می‌گوید: «با توجه به این که گوگل در این زمینه قدرت بیشتری از هر دو دولت آمریکا و مصر دارد، بخش عمده‌ای از مساله‌ی آزادی بیان امروزه ربطی به دولت‌ها ندارند و به این‌گونه شرکت‌ها مربوط می‌شوند.» به عقیده‌ی برخی حقوق‌دانان، وکلای گوگل در دفاع از اتخاذ تصمیم حذف فیلم معصومیت مسلمانان، از

مبحث «خطر واضح و کنونی» استفاده کردند که استثنای کلیدی در متمم نخست قانون اساسی ایالات متحده است.

افزایش درخواست‌های دولتی از شبکه‌های اجتماعی برای سانسور

جدیدترین گزارش شفافیت توئیتر که از یکم ژانویه تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ را در بر می‌گیرد، نشان می‌دهد که در این سال برای حذف مطالب روزنامه‌نگاران و بستن حساب‌های کاربری با توجیه‌های مختلف، منجمله حمایت از تروریسم، چه تقاضاهایی به صورت قانونی تسلیم شده است.

تنها در نیمه‌ی دوم سال ۲۰۱۶، ایالات متحده ۲۳۰۴ بار درخواست کرد تا در مجموع، اطلاعات مربوط به ۵۶۱۸ حساب کاربری را به دست بیاورد؛ به ۸۲ درصد آن‌ها نیز پاسخ مثبت داده شد. در همین مدت‌زمان، بریتانیا با ۶۸۱ تقاضانامه، اطلاعات مربوط به ۱۰۱۷ حساب کاربری را خواستار شد که این کشور نیز در ۷۹ درصد از موارد، اطلاعات خواسته شده

را دریافت کرد.

در دسامبر ۲۰۱۶، کمیسیون اروپایی به فیس‌بوک، مایکروسافت، توئیتر و یوتیوب هشدار داد که اگر نتوانند با سخنان نفرت‌پراکنانه در شبکه‌های‌شان مقابله کنند، قوانینی تصویب خواهد شد که آنان را به این کار وادار کند. آلمان اکنون در حال عملی کردن این هشدار است و قوانینی را در دست بررسی دارد که شبکه‌های اجتماعی را با جریمه‌ای ۵۰ میلیون یورویی در صورت عدم پیروی از مقررات مربوط به زدودن محتوایی که غیرقانونی تلقی می‌شود، روبه‌رو می‌کند. اما تمامی کشورها قوانینی را تصویب نمی‌کنند که صرفاً مربوط به نفرت‌پراکنی باشد. گزارش توئیتر نشان می‌دهد که ترکیه بیشترین درخواست حذف مطالب روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها را داشته است. در واقع، ۸۸ درصد درخواست‌های مربوطه، از این کشور صادر شده بودند. توئیتر می‌گوید که از میان درخواست‌های پرشمار ترکیه، تنها ۱۵ توئییت و ۱۴ حساب کاربری را حذف و معلق کرده است.



جرمی کسل، مدیر سیاست‌گذاری جهانی توئیتر، در این باره می‌گوید: «طی پنج‌سال گذشته خیلی چیزها، هم در توئیتر و هم در کل جهان، تغییر کرده است. اما نیاز برای شفافیت در عملکرد دولت‌ها و کمپانی‌ها هرگز اینقدر مهم نبوده زیرا جو کنونی به سمتی می‌رود که آزادی بیان بیشتر زیر ضرب قرار گرفته و تمایل به محدودکردن آزادی شهروندان بیشتر شده است.»

اطلاعاتی که ممکن است به مرگ کاربران منتهی شود

توئیتر می‌گوید که به آزادی بیان معتقد است اما وقتی پای منافع کلان اقتصادی شرکت‌ها و همچنین جان انسان‌ها در کشورهای دیگر به میان می‌آید، هنوز هم شرکت‌ها به آزادی بیان پای‌بند می‌مانند؟

در این زمینه، اخبار نگران‌کننده‌ای به گوش می‌رسند. ماه مارس امسال، پاکستان از فیس‌بوک خواست تا برای بررسی محتوای «کفرآمیز» که توسط پاکستانی‌ها در این شبکه اجتماعی نشر شده، کمک کند. کفرگویی در پاکستان مسأله‌ای جدی است و می‌تواند به مرگ مرتکب بیانجامد.

به گزارش بی‌بی‌سی، فیس‌بوک در بیانیه‌ای گفته که درخواست دولت پاکستان را در چارچوب «حفاظت از حریم خصوصی و حقوق کاربران» خود مورد بر سی قرار خواهد داد.

در این بیانیه آمده است: «ما اطلاعات در مورد حساب‌ها را صرفاً مطابق با شرایط استفاده از خدمات ما و قانون مربوط افشا می‌کنیم. برای درخواست‌های بین‌المللی ممکن است به یک پیمان همکاری متقابل در مسایل قانونی یا سایر اشکال درخواست رسمی مورد نیاز باشد، و ما اینها را شامل گزارشمان در مورد درخواست‌های دولت می‌کنیم.»

کدام قانون و کدام پیمان همکاری متقابل در مسایل قانونی؟ آیا شبکه‌های اجتماعی در صورت انعقاد پیمان‌های حقوقی، باید از قوانین کشورهای ناقض حقوق بشر و آزادی بیان برای سانسور، محدود کردن یا افشای هویت کاربران تبعیت کنند؟ آیا جهان‌شمولی حقوق بشر و آزادی بیان اجازه‌ی چنین کاری را می‌دهد؟

مارک کوهن، حقوق‌دان و معاون پیشین دادستانی کل در ایالات متحده که در حال حاضر مشاور ده‌ها شرکت تجاری بین‌المللی است، می‌گوید که وکلا، حقوق‌دانان و مدافعان حریم قانون، باید به سختی تلاش کنند تا شبکه‌های اجتماعی از قوانین مدون انسانی تبعیت کنند و تبدیل به تهدیدی برای قوانین نباشند. قوانینی که ساخته‌ی دانش و تجربه‌ی بشری هستند و آزادی بیان و مبارزه با سانسور نیز در میان آن‌ها قرار دارند.

سانسور اینترنت؛ حق دولت‌ها یا نقض حقوق شهروندان؟



به استانداردهای جهانی مربوط به موضوعی خاص اختصاص یافته‌اند، هماهنگ کردن قوانین داخلی را خود در دستور کار قرار دهند. برای مثال درباره اینترنت، چند معاهده بین‌المللی تنظیم شده‌اند که از این میان می‌توان به کنوانسیون شورای اروپا مربوط به جرایم در فضای مجازی (۲۰۰۱) یا پروتکل الحاقی مربوط به جرم‌انگاری اعمال نژادپرستانه و خارجی‌ستیزانه ارتكابی توسط سیستم انفورماتیک (۲۰۰۳) اشاره کرد. با این حال هیچ‌کدام از این معاهدات جنبه‌ی جهان شمول ندارند و به چند کشور عضو و غیرعضو شورای اروپا محدود می‌شوند. علاوه بر این، منع سانسور اینترنت تاکنون موضوع هیچ معاهده‌ای قرار نگرفته و بنابراین، هیچ تعهد معاهدتی با موضوع منع سانسور اینترنت بر شانه کشورها سنگینی نمی‌کند. در نتیجه، دولت‌ها با استناد به اصل صلاحیت شخصی و اصل صلاحیت سرزمینی همواره می‌توانند اختیارات حاکمیتی خود را قانوناً در مورد فعالیت‌های جاری در حدود مرزهای سرزمینی‌شان اعمال کنند. مشهورترین نمونه برای اعمال اختیارات حاکمیتی در حوزه اینترنت، احتمالاً قضیه‌ای است که یک کانون غیرانتفاعی مبارزه با نژادپرستی و یهودی‌ستیزی را در سال ۲۰۰۰ در مقابل یاهو قرار داد [۶]. موضوع این قضیه، فروش یادبودهای نازی روی سایت یاهو است، عملی که مطابق قانون مجازات فرانسه جرم تلقی می‌شود. دادگاه عالی پاریس در این قضیه، پس از تأیید صلاحیت خود مطابق اصلی که رسیدگی به جرایم ارتكابی در خارج و واجد اثر در سرزمین ملی را در صلاحیت دولت سرزمینی قرار می‌دهد، رای به محکومیت یاهو داد و از این شرکت خواست دسترسی شهروندان فرانسوی به این سایت را مسدود کند. آرای مشابهی نیز توسط دادگاه‌های کشورهای دیگر چون آلمان (درباره محتوای اینترنتی نازی میزبانی شده در استرالیا)، ایالات متحده (درباره تخلفات مربوط به حقوق مؤلف) و بریتانیا (درباره محتوای هرزه‌نگاشت میزبانی شده در خارج) صادر شده که همگی صلاحیت دولت سرزمینی در اعمال اختیارات حاکمیتی و قانون‌گذاری نسبت به فعالیت‌های جاری در حدود مرزها را تأیید می‌کنند.

با نبود هرگونه قاعده‌ی خاص نسبت به فیلترینگ و در نبود منابع مختص به اینترنت در عرصه جهانی، رفتار دولت‌ها نسبت به اینترنت توسط قواعد و اصولی تنظیم می‌شود که قبل از ظهور این پدیده‌ی نوین در نظام حقوقی بین‌المللی موجود بوده‌اند. به بیان دیگر، با نبود منابع مستقیم درباره اینترنت، قواعد سنتی حقوق بین‌الملل مربوط به حوزه‌های دیگر به شکل غیرمستقیم بر رفتار دولت‌ها در حوزه اینترنت حاکم است. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حقوق بشر از نخستین قواعدی است که حدود و ثغور اعمال اختیارات

هر چند تأسیس یک سازمان بین‌المللی با اختیارات قانون‌گذاری در حوزه اینترنت به شکل نظری ممکن است، اما دولت‌ها همواره مشتاق به حفظ اختیارات خود بوده‌اند و از تأسیس یا توکیل اختیارات خود به سازمان‌های بین‌المللی واجد شخصیت حقوقی بین‌المللی و با اختیارات وسیع الزام آور، هراسیده‌اند. بنابراین امکان تأسیس چنین سازمانی که اعضا را به‌موجب اساس‌نامه یا حقوق منبعث از آن ملتزم به سانسور نکردن اینترنت کند، در حال حاضر از نظر عملی دور از انتظار به نظر می‌رسد.

دولت‌ها همچنین می‌توانند با انعقاد معاهدات بین‌المللی که

این حوزه را به اتحادیه بین‌المللی تلگراف واگذار کرده بودند. این سازمان پس از آن به اتحادیه جهانی مخابرات وابسته به سازمان ملل متحد بدل شد [۴].

نقش و اختیارات اتحادیه بین‌المللی مخابرات در مدیریت اینترنت طی کنفرانس اتحادیه در سال ۲۰۱۲ محل بحث قرار گرفت اما به جبهه‌گیری دولت‌ها در مقابل هم انجامید چرا که پیشنهاد بعضی (روسیه، چین، امارات متحده عربی) مبنی بر بالا بردن اختیارات این سازمان در حوزه اینترنت و تصریح حق حاکمیتی دولت‌ها بر تنظیم و تنسيق اینترنت در حدود مرزهای سرزمینی‌شان از سوی دولت‌های لیبرال غیرقابل پذیرش بود [۵].

فریدون دادخواه

در سال‌های اخیر، ناظران و پژوهش‌گران حوزه اینترنت، از میل روز افزون دولت‌ها به کنترل، سانسور و فیلترینگ محتوای اینترنتی در داخل مرزهای سرزمین تحت حاکمیت‌شان خبر می‌دهند [۱]. امروزه معترضان مدنی در یک شهر می‌توانند به یاری پیام‌های اینترنتی، شهر دیگری را طی چند ساعت به آشوب بکشند و هزینه‌های دولت را برای کنترل اوضاع افزایش دهند.

با گسترش روز افزون شبکه جهانی، برای مثال، دولتی که پیش از این به لطف تکیه زدن بر مذهب اکثریت شهروندانش بر جامعه‌ای فرمانبردار حکومت می‌کرد، خود را هر چه بیشتر در مواجهه با آحادی می‌بیند که از طریق واکاوی در اینترنت، با اندیشه‌های مترقی آشنا شده‌اند و بنیان‌های عقیدتی نظام سیاسی کشور را به چالش می‌کشند.

با این حال، بر خلاف باور معمول، هراس از اینترنت و تلاش دولت‌ها در محدود کردن دسترسی کاربران ملی به محتوای اینترنتی، تنها محدود به کشورهایی با نظام سیاسی اقتدارگرا نیست و حتی برخی از لیبرال دموکراسی‌های غربی با وجود آن که آزادی بیان را عزیز می‌دارند، به فیلترینگ اینترنت روی آورده‌اند [۲].

مع الوصف، سانسور اینترنت همه‌جا شکلی واحدی به خود نمی‌گیرد و نتایج مطالعات و گزارش‌هایی که تا کنون سیاست‌های دولتی فیلترینگ را سرشماری و تحلیل کرده‌اند، از تنوع اشکال این سیاست‌ها و فراوانی توجیهات فیلترینگ اینترنت در جوامع مختلف حکایت می‌کنند که هر یک به طریقی گسترده‌ی دسترسی کاربران را تحت تأثیر قرار می‌دهند [۳]. در حالی که فیلترینگ اینترنت از نگاه شهروندان، تحدید آزادی‌شان قلمداد می‌شود، دولت‌ها بر اعمال حقوق حاکمیتی‌شان اصرار می‌ورزند و به رویه‌ی خود ادامه می‌دهند. این مطلب بر آن است تا نخست با شناسایی حقوق حاکم بر موضوع بحث، ادعای چنین حقی را از سوی دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل بیازماید و سپس گستره یا حدود احتمالی چنین مداخلاتی را تبیین کند.

یک - منابع حقوقی بین‌المللی حاکم بر اینترنت

ابزارهایی که حقوق بین‌الملل در اختیار دولت‌ها قرار داده، می‌توانند برای تولید قواعد حاکم بر اینترنت به کار گرفته شوند. برای مثال، یک معاهده بین‌المللی منعقد شده میان دولت‌های جهان می‌تواند سازمانی بین‌المللی تأسیس کند که مطابق اساسنامه، وظیفه‌ی تقنین قواعد لازم‌الاجرا را در حوزه اینترنت برای دولت‌های عضو سازمان، بر عهده بگیرد؛ چنان‌که در مورد تلگراف، دولت‌ها وظیفه‌ی قانونگذاری در

حاکمیتی دولت‌ها را تعیین می‌کنند. حقوق سازمان تجارت جهانی نیز می‌تواند برای سانسور اینترنت از سوی دولت‌های عضو تبعات حقوقی به همراه داشته باشد اما از آن‌جا که تاکنون ایران به معاهدات مراکش نپیوسته، پرداختن به چنین موضوعی از حوصله این مطلب خارج است.

دو - حقوق بشر و سانسور اینترنت

صلاحیت دولت‌ها در تعیین آن‌چه شهروندان تحت حاکمیت‌شان مجاز به تصاحب، مصرف یا تولیدند چندان قابل مناقشه نیست. با این حال، اختیارات دولت‌ها باید همیشه در حدود تعهدات بین‌المللی‌شان اجرا شود. در غیر این صورت اگر اعمال اختیار از جانب دولت با تعهدات بین‌المللی‌اش مغایر باشد و آن را نقض کند، چنین عملی از منظر حقوق بین‌الملل متخلفانه محسوب می‌شود که درگیر شدن مسوولیت بین‌المللی آن دولت را در پی خواهد داشت [۷].

تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حقوق بشر از نخستین تعهداتی است که می‌تواند بالقوه با فیلترینگ اینترنت نقض شود. طی دو دهه گذشته اینترنت به یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط، بیان عقیده و دریافت اطلاعات بدل شده و سانسور آن می‌تواند حق آزادی بیان و «کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن» را که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته، متزلزل کند. حق آزادی بیان و عقیده در اغلب اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر بعنوان یک حق بنیادین بشری ضمانت شده اما از آن‌جا که اعلامیه جهانی سندی الزام‌آور نیست، این مطلب، موضوع سانسور اینترنت و حق آزادی بیان را در سایه ماده ۱۹ میثاق جهانی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ بررسی خواهد کرد که به عنوان یک تعهد معاهدتی برای کشورهای امضاکننده میثاق، از جمله ایران - که به‌شگفت، هیچ قید و شرطی بر این معاهده وضع نکرده - الزام‌آور است.

قابلیت اجرای حقوق بشر بر اینترنت تقریباً بدیهی می‌نماید. با این حال، شورای حقوق بشر ملل متحد در سال ۲۰۱۲ در بیانیه‌ای تأکید کرد که حقوق بشر باید در دنیای مجازی همانند دنیای حقیقی تضمین و پاسداری شود [۸]. هم‌چنین اجلاس جهانی سران درباره جامعه‌ی اطلاعاتی که در ژنو (۲۰۰۲) و تونس (۲۰۰۲) برگزار شد در یک بیانیه‌ی اصولی قابلیت اجرای اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر اینترنت را مورد تأیید مجدد قرار داد [۹].

از سوی دیگر، تفسیر مواد مرتبط با حقوق بشر در سایه اصول تفسیر معاهدات در حقوق بین‌الملل که در کنوانسیون وین بازتاب یافته، نتیجه‌ای جز مجرا دانستن حقوق بشر در و بر اینترنت ندارد. بنابراین با وجود این‌که اینترنت صراحتاً در

اسناد قدیمی حقوق بشر ذکر نشده، حق آزادی بیان و عقیده در فضای مجازی همانند دنیای واقعی است. با این حال، حق آزادی بیان - برخلاف حق آزادی عقیده - هرگز حقی مطلق نبوده و استثناء‌پذیر است چنان‌که بند سوم از ماده ۹۱ میثاق خود صراحتاً مقرر می‌دارد، بهره‌مندی از آزادی بیان «همراه با تکالیف و وظایف ویژه است که می‌تواند تابع محدودیت‌های معینی قرار گیرد».

هم‌چنین این ماده، محدودیت‌های مجاز بر آزادی بیان را احصاء کرده و شروط آن را برشمرده است. برای مجاز تلقی



شدن، محدودیت وضع شده بر آزادی بیان باید بموجب قانون وضع شده و به منظور حفظ حقوق و حیثیت دیگران یا حفظ امنیت ملی، نظم، اخلاق و سلامت عمومی ضروری باشد. اهداف مشروع برای اعمال محدودیت - یعنی حفظ حق یا حیثیت دیگری یا حفظ امنیت ملی، نظم، سلامت و اخلاق عمومی - جنبه‌ی احصایی داشته و بنظر کمیته حقوق بشر هیچ هدف دیگری وضع محدودیت بر حق آزادی بیان را توجیه نمی‌کند [۱۰]. نص ماده ۱۹ نیز مؤید این نظر است. علاوه بر این، لزوم ضروری بودن وضع محدودیت برای رسیدن

به هدف مشروع، آزمون دیگری را برای اقدام محدودکننده به دنبال دارد: لزوم تناسب میان محدودیت و هدف. لزوم تناسب میان هدف و وسیله در آرای کمیته‌ی حقوق بشر که مسوولیت بررسی حسن اجرای میثاق توسط دولت‌های عضو را بر عهده دارد، پیشتر مورد تأکید قرار گرفته است [۱۱]. لذا در همین راستا، کمیته حقوق بشر در مشاهده عمومی شماره ۴۳ در رابطه با حق آزادی عقیده و بیان اعلام می‌دارد که «محدودیت‌های قانونی باید یک محتوای مشخص را هدف بگیرد و قدغن کردن سایت‌ها یا سیستم‌ها به شکل همگانی با

نیست و می‌تواند تصمیمات قضایی یا اداری را نیز شامل شود [۱۳]. بنابراین، قانون در این شرط لزوماً به معنای شکلی آن نبوده بلکه ناظر بر داشتن برخی کیفیات ماهوی است. دیوان حقوق بشر اروپا در این زمینه اشعار دارد که محدودیت بر آزادی بیان باید در «قانون قابل دسترسی و قابل پیش‌بینی در تبعات وضع شده باشد که به اشخاص خطای اجازه آگاه شدن از نتایج تخلف احتمالی را بدهد» [۱۴]. لذا کمیته حقوق بشر بر این نظر است که محدودیت وضع شده بر آزادی بیان نمی‌تواند در یک قاعده سنتی، مذهبی یا عرفی مندرج باشد [۱۵].

با در نظر داشتن چنین شرطی در موضوع فیلترینگ اینترنت، می‌توان به این نتیجه رسید که شفافیت، فقدان خودسری و در نظر گرفتن یک روال قانونی برای تعیین محتوای نامطلوب از الزاماتی است که محدودیت‌های وضع شده بر آزادی بیان باید برای موجه تلقی شدن و وفای به تعهد بین‌المللی قبلاً رعایت داشته باشند. تصمیم ایران مبنی بر بنیان نهادن کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه که به موجب قانون جرایم رایانه‌ای مسوولیت پالایش محتوای اینترنتی قابل دسترسی در ایران را بر عهده دارد، نخستین گام در راستای رعایت کردن شروط مندرج در ماده ۱۹ میثاق است.

ب- دنبال کردن هدف مشروع

چنان‌که پیشتر سخن رفت با توجه به احصاء شدن اهداف مشروع در بند سوم از ماده ۱۹، هیچ هدف و دستاویز دیگری محدود کردن آزادی بیان را توجیه نمی‌کند و دولت‌ها موظفاند که محدودیت‌های وضع شده را تنها بر این موارد استوار کنند. با این حال، تعبیر به کار رفته در این ماده - مثل حفظ اخلاق عمومی - عبارات موسعی‌اند و احتمالاً دولت‌ها در نهایت از این میان دستاویزی برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان خواهند یافت. آرای کمیته حقوق بشر اما نشان داده است این نهاد در تطابق دادن رفتار دولت‌ها بر قواعد مندرج در معاهده موشکاف است و از ایشان می‌خواهد محدودیت‌های وضع شده بر آزادی بیان را به تفصیل توضیح داده و وجاهت آن را نشان دهند. از سوی دیگر مطابق اصولی که از آرای کمیته و دیگر مراجع قضایی مربوط به حقوق بشر منبعث است، اهداف مشروع باید به طور مضیق و با در نظر داشتن اصل منع تبعیض و اصل جهان شمولی حقوق بشر تفسیر شوند. این اصول از گستره‌ی نفوذ اهداف مشروع مندرج در ماده ۱۹ می‌کاهد و آن را محدود می‌کند.

به نظر نگارنده، با توجه به تشبث رویه‌ی دولت‌ها و گوناگونی تلقی ملت‌ها نسبت به هرزه‌نگاری، هنوز استاندارد واحدی در این مورد در سطح جهانی شکل نگرفته و ایران می‌تواند با

بند سوم از ماده ۱۹ مغایر است. [۱۲]

در قسمت بعدی، هر یک از شروط لازم برای مجاز تلقی شدن محدودیت‌های وضع شده بر حق آزادی بیان به اختصار بحث خواهند شد.

الف - لزوم پیش‌بینی شدن محدودیت در قانون

لزوم وضع شدن محدودیت بر آزادی بیان به موجب قانون به منظور کاهش هر چه بیشتر امکان خودسری پیش‌بینی شده است. لفظ قانون در این شرط لزوماً به معنای مصوبات مجلس

اشاره به احساسات مذهبی شهروندان و با استناد به لزوم حفظ اخلاق عمومی - در چنین جامعه‌ای - محتوای هرزه‌نگاری را بدون آن که تعهدات ناشی از میثاق را نقض کرده باشد، مسدود نماید.

توجیهاتی چون حفظ امنیت ملی یا برقراری نظم عمومی اما یقیناً نمی‌توانند دستاویزی برای سانسور کردن مخالفان سیاسی قرار بگیرند. بحث‌های سیاسی پیرامون شخصیت‌های عمومی یا موضوعات و نهادهای عمومی از نظر کمیته حقوق بشر از بالاترین حمایت‌ها بهره می‌برند [۱۶]. دادگاه حقوق بشر اروپا نیز برای مباحث سیاسی و مباحث ناظر به مسائل عمومی بیشترین ضمانت‌ها را قائل است.

کمیته‌ی حقوق بشر همواره قوانینی که شخصیت‌های دولتی از جمله رهبران و دولت‌مردان را به بهانه‌ی توهین به ایشان از انتقاد مصون می‌دارند، محکوم کرده و محدود کردن آزادی انتقاد شهروندان در این موارد را مغایر بند سوم ماده ۱۹ تشخیص داده است [۱۷]. بنابراین، به نظر نگارنده، مسدود کردن وبگاه‌های اینترنتی به دلیل پرداختن به «پرونده املاک نجومی» یا انتشار بیانه‌ی یک نماینده مجلس به روشنی با آزادی بیان مغایر است چرا که چنین موضوعاتی نه تنها با تهدید امنیت ملی هیچ مناسبتی ندارند بلکه ناظر به مسائل مربوط به منافع عمومی بوده و به نظر کمیته حقوق بشر باید از بیشترین حمایت‌ها برخوردار باشند. اما نگارنده بر این عقیده است که فیلترینگ توئیتر و فیسبوک در ایران در زمان وقایع انتخابات ۸۸، می‌تواند با الزامات میثاق منطبق باشد و در نتیجه مجاز تلقی شود؛ اما حفظ کردن محدودیت پس از برطرف شدن ملاحظات مربوط به نظم عمومی فاقد هرگونه وجاهت است.

ج- ضرورت و تناسب

مهم‌ترین آزمون برای محدودیت آزادی بیان، دیدار با شرط ضرورت و تناسب است. این که محدودیت بر آزادی بیان باید برای حفظ هدف مشروع ضرورت داشته باشد بدین معناست که دولت‌ها موظفانند وجود یک رابطه مستقیم و بلاواسطه میان بیان و ابراز نظر از یک سو و تهدید شدن هدف مشروع از سوی دیگر را نشان دهند. در صورت فقدان چنین رابطه‌ی مستقیمی، وضع کردن محدودیت بر آزادی بیان موجه نیست. بنابراین زمانی که حفظ هدف مشروع می‌تواند از طرق دیگری جز فیلترینگ اینترنت حاصل شود وضع محدودیت بر آن موجه نخواهد بود. از سوی دیگر، صرف ضرورت داشتن وضع محدودیت بر آزادی بیان آن محدودیت را توجیه نخواهد کرد بلکه محدودیت اعمال شده باید با هدف متناسب نیز باشد. لزوم تناسب میان محدودیت و هدف مشروع بدین معناست

که دولت‌ها باید برای رسیدن به هدف به وسایلی که کمترین اختلال را در حق آزادی بیان ایجاد می‌کنند دست یازند [۱۸]. بنابراین محدودیت‌های وضع شده نمی‌توانند به گونه‌ای وسیع و کلی باشند که دیگر موضوعات غیرمرتبط را تحت تأثیر قرار دهند. به نظر نگارنده مسدود کردن یوتیوب در زمان ناآرامی‌های سال ۸۸ شاید بتواند به دشواری و با اغماض محدودیتی ضروری برای حفظ نظم عمومی تلقی شود اما به دلیل آن که دسترسی به تمام این وبگاه را به شکل کلی مختل می‌کرد و محتوای نامرتبط را تحت تأثیر قرار می‌داد، به روشنی با اصل تناسب مغایر است. رویه‌ی فیلترینگ هوشمند که هم‌اکنون در مورد اینستاگرام در ایران به اجرا گذاشته می‌شود از این منظر که محتوای مشخصی را هدف قرار می‌دهد، می‌تواند تلاشی برای هر چه محدود کردن دامنه‌ی مداخلات دولتی در حق آزادی بیان شهروندان تلقی شود؛ هر چند که تطابق این فیلترینگ با توجیهاتی چون حفظ امنیت ملی یا اخلاق عمومی هم‌چنان محل تردید است.

سه - سخن آخر

اصل حاکمیت دولت‌ها امروزه از اصول بنیادین روابط بین‌المللی و نظام حقوقی بین‌الملل است؛ به همین میزان نیز اصلی که اعمال حاکمیت از سوی دولت را به رعایت حدودی ترسیم شده در حقوق بین‌الملل منوط می‌کند، غیرقابل مناقشه است.

موضوع برخی تعهدات دولت‌ها ایجاب می‌کند که، مثلاً برای حفظ حیثیت یا زندگی خصوصی دیگران، بعضی آزادی‌ها را محدود کنند. به بیان دیگر، گاهی دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل متعهد به محدود کردن برخی آزادی‌های شهروندان‌شان هستند. برای مثال تعهد دولت‌های عضو ملل متحد به جلوگیری از تأمین مالی تروریسم توسط شهروندان‌شان که در قطع‌نامه‌های الزام‌آور شورای امنیت تبلور یافته و به عنوان تعهدی ناشی از تعهدات منشور ملل متحد دولت‌ها را ملزم می‌دارد، ایجاب می‌کند که برخی از آزادی‌های شهروندان مورد محدودیت‌های دولتی قرار گیرند. با این حال، مسأله‌ی ماهیت اقدام اتخاذ شده و تناسب آن با هدف، همواره یکی از الزاماتی است که این تعهد را همراهی می‌کند. بنابراین با در نظر داشتن این مهم که هیچ تعهدی با موضوع منع سانسور اینترنت چه به صورت عرفی یا به‌موجب معاهده بر شانه دولت‌ها سنگینی نمی‌کند، سانسور اینترنت به محلی برای پدید آمدن تعارض میان اصل حاکمیت دولت و لزوم احترام به حقوق بین‌الملل - از جمله پاسداشت حقوق و آزادی‌های فردی ضمانت‌شده در اسناد بین‌المللی - بدل می‌گردد. نتایج بررسی‌های یک سازمان مدافع آزادی اینترنت

از نظام‌های فیلترینگ کشورهای مختلف در دنیا نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این مکانیسم‌ها به درستی با تعهدات بین‌المللی دولت‌ها مطابقت نمی‌کنند و همگی از رعایت تمام و کمال‌شان باز می‌مانند [۱۹].

مع‌الوصف، به دلیل کم‌کارآمدی سازوکارهای نظارتی جهانی بر معاهدات حقوق بشر و اصولاً به دلیل ویژگی‌های خاص اجرای قانون در حقوق بین‌الملل که آن را از اجرای قانون در حقوق داخلی متمایز می‌کند، نقض تعهدات بین‌المللی حقوق بشری اغلب تبعات سنگینی برای دولت‌ها در پی ندارند. از این رو، صاحب‌نظران عرصه‌ی تکنولوژی و اینترنت، پارادایمی نوین و متفاوت از سازوکارهای سنتی حقوق بین‌الملل را برای مدیریت بر اینترنت پیشنهاد می‌کنند که سازمان‌های مردم نهاد و جامعه مدنی را در مشارکت و تأثیرگذاری بیشتر از دولت‌ها دخیل می‌دارد [۲۰].

پانویس:

دولت در این مطلب به معنی دولت-ملت به کار رفته است و مراد از آن موجودی انتزاعی از افراد و مکانیسم‌های تصمیم‌گیری و ارگان‌های حکومتی است که در حدود مرزهای سرزمینی قدرتی بلامنازع دارد و در روابط خارجی مستقل است. (نگ. نظریه مشورتی شماره یک کمیسیون داوری کنفرانس اروپا برای صلح در یوگوسلاوی، ۲۹ نوامبر ۱۹۹۱)

منابع:

- 1 - See in general R. FARIS and N. VILLENEUVE, "Measuring Global Internet Filtering" in R. DEIBERT, *al. (ed.), Access Denied - The practice and policy of global filtering*, Cambridge, MIT Press, 2008, pp. 5-27.
- 2 - J. WRIGHT, Y. BREINDL, "Internet filtering trends in liberal democracies: French and German regulatory debates", *Internet Policy Review*, 25 Apr 2013, vol. 2, n. 2, pp. 2 seq.
- 3 - J. ZITTRAIN & J. PALFREY, "Internet filtering: The politics and mechanisms of control" in R. DEIBERT, *al. (ed.), Op. cit.*, n. 1, pp. 29-56.
- 4 - D. WESTPHAL, "International Telecommunication Union (ITU)", *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, OUP, vol. VI, 2010, pp. 166 seq.
- 5 - F. LATTY, "La diversité des sources du droit de l'Internet", in *Internet et le Droit International*,

Paris, Pedone, 2014, p. 53.

6 - Tribunal de grande instance de Paris, *Ordonnance de référé*, 20 novembre 2000, UEJF et Licra c/ Yahoo! Inc.

7 - Cf. Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, *Official Records of the General Assembly, Fifty-sixth Session, Supplement No. 10, A/56/10*.

8 - The promotion, protection and enjoyment of human rights on the Internet, 29 June 2012, A/HRC/20/L.13.

9 - See B. TAXIL, "Internet et l'exercice de droits fondamentaux", in *Internet et le Droit International, Op. cit.*, n. 5, p. 115.

10 - Human Rights Committee, General comment No. 34, Article 19: Freedoms of opinion and expression, 12 septembre 2011, para. 22.

11 - See communications No. 1128/2002, *Marques v. Angola*; No. 1157/2003, *Coleman v. Australia*.

12 - Human Rights Committee, General comment No. 34, *Op. cit.*, n. 10.

13 - See communication No. 1373/2005, *Dissanayake v. Sri Lanka*, Views adopted on 22 July 2008.

14 - ECtHR, *Leempoel & S.A. Ed. Ciné Revue v. Belgium*, 9 november 2006, para. 56.

15 - Human Rights Committee, General comment No. 34, *Op. cit.*, n. 10, para. 24.

16 - See communication No. 1180/2003, *Bodrozic v. Serbia and Montenegro*, Views adopted on 31 October 2005.

17 - See concluding observations on Zambia (CCPR/ZMB/CO/3), para.25.

18 - Human Rights Committee, General comment No. 34, *Op. cit.*, n. 10, para. 34.

19 - M. RUNDLE and M. BIRDLING, "Filtering and the International System: A Question of Commitment" in R. DEIBERT, *al. (ed.), Access Denied, Op. cit.*, n. 1, p. 87.

20 - See in general M. L. MUELLER, *Networks and states [Texte imprimé] : the global politics of Internet governance*, MIT Press, 2010, 313 p.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: آناهیتا بختیار

تماس با مجله: mail@iranhr.net

